



## توسعه روابط تجاری و اقتصادی با لبنان

حسین امیرعبداللّه‌یان، وزیر امور خارجه کشورمان، شنبه شب در نشست با سفیر و اعضای سفارت و نمایندگان برخی نهادها و مؤسسات ایرانی مقیم لبنان، طی سخنانی با اشاره به مشترکات قوی سیاسی، دینی، فرهنگی و اجتماعی بین دو کشور ایران و لبنان افزود: «لازم است با تلاش و پیگیری‌های بیشتر با بخش‌های دولتی و خصوصی لبنان، روابط دوجانبه در حوزه‌های مختلف اقتصادی و تجاری نیز گسترش و به سطح مطلوب ارتقا یابد.» وزیر امور خارجه با تأکید بر اهمیت ثبات و امنیت لبنان برای جمهوری اسلامی ایران و تأثیر امنیت لبنان بر کل منطقه، کمک به پیشرفت روند سیاسی در لبنان و توسعه روابط دوجانبه با این کشور در زمینه‌های اقتصادی و تجاری همپای روابط سیاسی را از اولویت‌های دولت سیزدهم برشمرد و ضمن تشکر و قدردانی از زحمات و تلاش‌های ارزنده همکاران وزارت امور خارجه و نمایندگان نهادها و مؤسسات ایرانی شاغل در لبنان، بر ضرورت تلاش بیشتر و ابتکار و نوآوری در کارها تأکید کرد. امیرعبداللّه‌یان که در تور منطقه‌ای به سر می‌برد، ظهر دیروز وارد دمشق شد و قرار است پس از سوریه به قطر هم سفر کند.



## چرا از ایران و چین انتقاد می‌کنید اما از نتانیاهو نه؟

برنی سندرز، سناتور دموکرات ایالت ورمونت آمریکا روز شنبه در سخنانی از ادامه جنگ رژیم صهیونیستی در باریکه غزه انتقاد کرد. وی گفت: «آمریکا چگونه بمباران روسیه علیه اوکراین را محکوم می‌کند اما در همان زمان بودجه ماشین جنگی نتانیاهو (نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی) را تأمین می‌کند؟» سندرز در ادامه گفت: «چگونه می‌توانیم از کارنامه حقوق بشر در ایران و چین انتقاد کنیم اما حقوق مردم فلسطین را نادیده می‌گیریم؟»



## مسیر واحد ایران و افغانستان

حسن کاظمی قمی در محل سفارت ایران در کابل گفت: پس از انقلاب اسلامی تلاش بسیاری در زمینه توسعه روابط خارجی با دیگر کشورهای انجام داده‌اند که مهم‌ترین آنها تقویت تعاملات دوجانبه با کشور دیگر، کمک به حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای می‌باشند. در این رابطه یکی از دغدغه‌های ما کمک و پیشبرد، روند صلح و ایجاد ثبات در کشور همسایه و برادر ما افغانستان در مقاطع گوناگون و تداوم مبارزه اصولی با افراط‌گرایی و هراس افکنی بوده است. کاظمی قمی تأکید کرد که دو همسایه در بسیاری از موضوعات جهانی و منطقه‌ای در مسیر واحد در راستای یکدیگر قرار دارند و هم‌چنین اطمینان دارم با وجود عزم و اراده مقام‌های بلندپایه دو کشور برای ارتقای روابط جمهوری اسلامی ایران و افغانستان نیز این روابط براساس احترام متقابل و مواضع مشترک تداوم و گسترش خواهد یافت.

به آسانی به این تعهد عمل کند و از این رو ایران وادار شد برای دفاع از استقلال خود به سازمان ملل که به‌تازگی تشکیل شده بود، متوسل شود و نخستین پرونده شکایت در شورای امنیت را به ثبت برساند. سیدحسن تقی‌زاده، رجل طراز اول نهضت مشروطیت در ایران و نماینده دور اول مجلس شورای ملی که با تجربه چند دهه فعالیت سیاسی و علمی و فرهنگی در آمریکا و انگلستان و آلمان هفتمین دهه عمر خود را می‌گذراند، به‌عنوان سفیر ایران در لندن، ریاست هیئت نمایندگی ایران در نخستین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد را بر عهده داشت و از این فرصت به‌خوبی برای بیان شکایت ایران در هشتمین جلسه مجمع عمومی استفاده کرد و گفت: «ایران کلیه امکاناتش را برای تحقق اهداف ملل متحد در اختیار متفقین گذاشت و به‌حق پل پیروزی لقب گرفت. در اطلاعیه مهم سران سه کشور شده است... اجازه می‌خواهم چندکلمه‌ای درباره وضعیت کنونی ایران بگویم چراکه پای اصولی که موجودیت این سازمان را تشکیل می‌دهد، در میان است... نمی‌توانم به وضع نگران‌کننده‌ای که در ایران به وجود آمده است اشاره کنم. شما می‌دانید که ایران، با مشکلات بزرگی که جنبه بین‌المللی دارد، روبه‌رو است... این مشکلات، از نوع مندرج در ماده ۱۴ منشور است و می‌توان آن را در اجلاس کنونی تحت بررسی قرار داد. چون هنوز از امید رسیدن به راه‌حلی که تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، منافع حیاتی و حقوق حاکمانه ملت که برای صلح‌جوی ایران را تأمین نماید، دست‌نخسته‌ایم.» طرح کهن‌سته مشکل از سوی تقی‌زاده، در عین حال که تلاش داشت از تحریک شوروی اجتناب کند، گوش‌دهی به این قدرت پیروز جنگ بود که ایران امیدوار است موضوع از طریق گفت‌وگو حل شود و ایران مجبور به طرح موضوع در شورای امنیت سازمان ملل نشود، اما شورای هیچ اعتنایی به ایران نکرد همچنان که به انگلیس و آمریکا اعتنا نکرده بود. این سخنرانی پیش‌درآمدی برای طرح موضوع در شورای امنیت بود و این اتفاق در نخستین جلسه شورای امنیت در لندن روی داد و جلسه شورای امنیت سازمان ملل روز بیست‌ونهم ژانویه ۱۹۴۶ تشکیل شد و شکایت ایران از اتحاد جماهیر شوروی در آن مطرح شد. در کلیه رأی‌گیری‌ها پیشنهادات شوروی و لهستان و فرانسه برای جلوگیری از درج شکایت ایران یا مخالفت با دعوت از نمایندگان ایرانی برای شرکت در جلسه شورا و نیز از توقيق انداختن بررسی شکایت ایران بدون استئنا رد شد و شوروی نیز ترجیح داد نامش به‌عنوان نخستین قدرتی که از حق وتو در نخستین جلسه شورای امنیت استفاده می‌کند، ثبت نشود. شکایت ایران ۱۷ ژانویه تحویل دبیرخانه سازمان ملل شد و اعضای شورای امنیت در جلسه ۱۹ ژانویه در حالی که هنوز دبیرکل سازمان ملل انتخاب نشده بود و هنوز در صندلی‌های خود جای نگرفته بودند، باید به اولین شکایت کشوری علیه قدرت دارای حق وتو رسیدگی می‌کردند. نامه نماینده ایران، سیدحسن تقی‌زاده کوتاه و در عین حال حاوی نکات اساسی دعاوی ایران بود:

«مداخله مأموران نظامی و کشوری اتحاد شوروی، در امور داخلی ایران وضعیتی را به‌وجود آورده که برای صلح و امنیت بین‌الملل خطرناک است. پیمان سه‌جانبه ۱۹۴۲، اتحاد شوروی را صریحاً ملزم می‌سازد که حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را محترم شمارد. شوروی، با مداخله در امور داخلی ایران، مفاد آن پیمان را نقض کرده است. ایران، به کرات کوشیده است تا از راه مذاکره با شوروی، به تشنج در روابط دو کشور، پایان داده شود، ولی تلاش‌اش نتیجه نداده است. ایران خواستار توجه شورای امنیت به موضوع بررسی آن و سفارش راه‌حل مقتضی است.» طرح موضوع در شورای امنیت به‌مباحثه‌ای طولانی بین سیدحسن تقی‌زاده و نماینده شوروی و دخالت سایر کشورهای عضو منجر شد و در نهایت دومین قطعنامه شورای امنیت به نام ایران و شوروی ثبت شد که به دو کشور توصیه می‌کرد، وضعیت به‌وجودآمده را از طریق گفت‌وگو و براساس حسن‌نیت حل کنند. این قطعنامه تصریح کرده بود: «با توجه به اینکه طرفین آمادگی خود را برای یافتن راه‌حل موضوع از طریق مذاکره اعلام کرده‌اند و این مذاکرات در آینده‌ای نزدیک از سر گرفته خواهد شد، شورا از طرفین درخواست می‌کند که هرگونه نتیجه به‌دست‌آمده در چنین مذاکراتی را به شورا اطلاع دهند. در عین حال، شورا این چنین را برای خود محفوظ می‌دارد که در هر زمان اطلاعاتی در مورد پیشرفت مذاکرات درخواست کند.» قطعنامه شماره یک مربوط به تشکیل کمیته امور نظامی شورای امنیت بود که طبق ماده ۴۷ منشور ملل متحد برای مشاوره و کمک به شورای امنیت تشکیل شد.

این آخرین ماموریت دیپلماتیک سیدحسن تقی‌زاده بود و او پس از این در دوره پانزدهم بار دیگر به‌عنوان نماینده مجلس و پس از آن به‌عنوان سناتور و رئیس مجلس سنا برگزیده شد و در ۸ بهمن ۱۳۴۸ در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد و البته به وصیت او برای انتقال جسدش به نجف و دفن در کنار بارگاه امام اول شیعیان عمل نشد.

تقی‌زاده که در جوانی به تندروی شهره بود در ادامه عمر به اعتدال روی آورد و با همین اعتدال عمر سیاسی طولانی یافت و در برهه‌های مهم تاریخ ایران نقش ایفا کرد.

یک سال به طول انجامید و علاوه بر تقی‌زاده رجال طراز اولی چون تیمورتاش و علیقلی مسعودانصاری مشاورالممالک درگیر آن بودند و پس از یک سال مذاکرات فشرده، سرانجام معاهده‌ای تجاری و اقتصادی در ۱۳ ماده در اردیبهشت ۱۳۰۲ با کارخان کمیسر روابط خارجی روسیه منعقد شد و تقی‌زاده به برلین بازگشت. در این دوره با وجود آنکه به نمایندگی دوره چهارم مجلس و سپس وزارت امور خارجه در دولت مستوفی‌الممالک برگزیده شد اما به ایران بازنگشت و در آلمان ماند. در دوره پنجم بار دیگر به نمایندگی مجلس انتخاب شد و بالاخره در تابستان ۱۳۰۳ به ایران بازگشت. در این دوره با وقوع انقلاب بلشویکی، روسیه از رقابت‌های استعماری در ایران با پس کشیده بود و بریتانیا تنها فعال در سیاست ایران بود و بار دیگر موضوع یافتن قدرتی دیگر برای مقابله با نفوذ قدرت استعماری بریتانیا در ایران داغ شد. تقی‌زاده در این عصر بر این باور بود: «... اگر مطلب عمده که به عقیده اینجانب کشیدن آمریکایی‌ها به ایران و دست دادن آن‌ها در ادارات است سر بگیرد، عن‌قرب کارها به جاده اصلاح می‌افتد. باید آنچه ممکن است کوشش کرد که آمریکا را به ایران کشید. امتیازات داد. مستشارهای مالی و فواید عامه و زراعت و تجارت و طرق و شوارع و تلگراف از آن‌ها آورد به مدارس آمریکایی تقویت کامل نمود...»

این سیاستی بود که در این دوران بسیار پیگیری شد و از جمله احمد قوام با آوردن میلسپو مستشار آمریکایی تلاش کرد مایله ایران را سروسامان دهد؛ بیشتر نیز دولت‌های مشروطه با آوردن مورگان شوستر آمریکایی تلاشی ناکام در این زمینه داشتند که با اولتیماتوم نظامی روسیه تزاری مواجه شده بود.

تقی‌زاده در دوران رضاشاه به‌عنوان والی خراسان، وزیرمختار ایران در لندن، وزیر طرق و شوارع و وزیر مالیه خدمت کرد. دوران وزارت مالیه او با رویدادی مهم همراه بود. در دوران مظفرالدین‌شاه که هنوز نفت اهمیت آینده خود را نیافته بود، ایران در ازای مبلغی اندک امتیاز انحصاری استخراج نفت در سه‌چهارم از کشور را به مدت شصت سال به ویلیام دارسی انگلیسی واگذار کرده بود. اما با رونق موتورهای دیزلی و اهمیت استخراج نفت و تبدیل این ماده بیدو به طلای سیاه طی جنگ جهانی اول، دولت ایران دریافت که چه امتیاز گرانبهایی را در اختیار انگلیسی‌ها قرار داده است. بر همین اساس رضاشاه طی سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱ بارها دستور مذاکره با انگلیسی‌ها برای افزایش سهم ایران از درآمد ناشی از استخراج نفت صادر کرد اما آنان حاضر به پذیرش سهمی بیشتر برای ایران نبودند بر همین اساس او در سال ۱۳۱۲ قرارداد دارسی را به‌صورت یک‌طرفه ملغی اعلام کرد. این اقدام با مخالفت بریتانیا و تهدید ایران به عملیات نظامی و مصادره اموال و شکایت به دیوان لاهه مواجه شد. هیئتی از رجال طراز اول آن دوره متشکل از تقی‌زاده وزیرمالیه، فروغی وزیر خارجه، تیمورتاش وزیر دربار و داور رئیس عدلیه مأمور مذاکره با انگلیسی‌ها شدند تا بتوانند با مصالحه ضمن دریافت سهمی بیشتر از تهدیدات بریتانیا نیز خلاصی یابند. در میانه مذاکرات رضاشاه پس از مذاکره با سرجان کدمن، رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس و رجب‌نالد هوار سفیر بریتانیا به یکباره به هیئت مذاکره کننده اعلام کرد که با شرایط جدید قرارداد را می‌پذیرند. در شرایط جدید هر چند سهم ایران اندکی افزایش یافته بود اما مدت قرارداد برای سی سال بیش از قرارداد دارسی تمدید شده بود. این سهم که بسیار با ادعای اولیه ایران فاصله داشت بسیار مورد انتقاد قرار گرفت و برای امضاکنندگان آن ایرادی بزرگ محسوب می‌شد. در بررسی اعتبارنامه‌های نمایندگان مجلس پانزدهم در ۲۵ تیر ۱۳۲۶ اعتبارنامه سیدحسن تقی‌زاده به‌خاطر قرارداد ۱۹۳۳ مورد اعتراض قرار گرفت و تقی‌زاده نطق مشروعی در دفاع از خود کرد و خود را در آن واقعه صرفاً «آلت فعل» و مقصر اصلی را «فاعل» -رضاشاه- دانست. وی پس از بیان مشروح مذاکرات لندن و تهران در آن مقطع که صرفاً مسئله استیفای حقوق مردم ایران مطرح بود و نه تمدید قرارداد، گفت: «... روز آخر کار، ناگهان صحبت تمدید مدت قرارداد را به میان آوردند و اصرار ورزیدند. ما چند نفر (تقی‌زاده؛ وزیرمالیه- فروغی؛ وزیر خارجه- تیمورتاش؛ وزیر دربار- داور؛ رئیس عدلیه) مسلوب‌الاجتبار، به آن راضی نبودیم و بی‌اندازه فزونی هر تصویری ملول شدیم. هیچ چاره‌ای نبود. ولی باید عرض کنم که مقصود از اینکه گفتم چاره نبود، تنها بیم اشخاص نسبت به خودشان نبود، بلکه اندیشه آنها نسبت به مملکت و عواقب نزاع به آن کیفیت نیز بود. من هیچوقت راضی به تمدید نبودم و دیگران هم نبودند. اگر در این کار قصوری یا اشتباهی بوده، تقصیر آلت‌نموده، بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرده و نتوانست برگردد...»

تقی‌زاده پس از وزیر مالیه از سال ۱۳۱۳ مدتی به‌عنوان وزیرمختار دولت ایران در فرانسه منصوب شد اما مورد غضب رضاشاه قرار گرفت و تا پایان دوران پهلوی اول در خارج از ایران مشغول تحقیق و پژوهش شد. بار دیگر وقتی که ایران به اشغال متفقین درآمد و رضاشاه از قدرت برافتاد، تقی‌زاده به‌عنوان وزیرمختار ایران در لندن وظیفه یافت از ایران اشغال‌شده دفاع کند. متفقین متشکل از بریتانیا و آمریکا و شوروی متعهد شده بودند شش ماه پس از پایان جنگ جهانی دوم قوای انگلیسی خود را از ایران خارج و اشغال‌شده کشور را پایان دهند اما استالین با ایجاد دولت‌های دست‌نشانده در تبریز و مهاباد و عدم خروج به موقع نشان داد که قصد ندارد

آیت‌الله سید عبداللّه بهبهانی در ۲۳ تیر ۱۲۸۹ و آشوب گسترده‌ای که این قتل در شهرهای بزرگ ایران به بار آورد و انتساب ترور بهبهانی به دموکرات‌ها، تقی‌زاده به امریت یا مشارکت در قتل بهبهانی متهم شد و از بیم جان پس از ۴ ماه اقامت اجباری در تبریز، تن به مهاجرت داد. این مهاجرت تقی‌زاده نزدیک چهارده سال به طول انجامید و با وجود آنکه در مجلس سوم باز هم به نمایندگی مجلس انتخاب شد اما آن را نپذیرفت و به ایران بازنگشت و در بریتانیا، آلمان، فرانسه و آمریکا مشغول مطالعه و تحقیق و نوشتن شد. در آمریکا بود که کنسول آلمان از تقی‌زاده دعوت کرد تا به برلین رفته و به نفع آلمان‌ها در جنگ جهانی اول وارد تبلیغات شود. از آغاز حکومت قاجاری ایران محل نفوذ روس و انگلیس بود و رجال وطن‌دوست به‌دنبال راه گریزی از دخالت این دو قدرت استعمارگر در ایران بودند و هر یک به دنبال یافتن قدرتی سوم تلاش می‌کردند. تقی‌زاده از جمله این سیاستمداران بود که با دعوت آلمان به یافتن این قدرت سوم امیدوار شد و با تاسیس کمیته ملیون ایرانی در برلین و انتشار نشریه کاوه فعالیت‌های ضدروسی و انگلیسی‌میلون ایرانی را سازماندهی کرد.

تقی‌زاده در سرمقاله شماره اول دوره دوم کاوه که به خاطر پیشنهاد «از فرق سر تا نوک پا فرنگی شدن» بسیار معروف شد، چنین نوشت: «قصدمجله کاوه بیشتر از هر چیز ترویج تمدن اروپایی است در ایران، جهاد بر ضد تعصب، خدمت به حفظ ملیت و وحدت ملی ایران، مجاهدت در پاکیزگی و حفظ زبان و ادبیات فارسی... امروز چیزی که به حد اعلا برای ایران لازم است و همه وطن‌دوستان ایران با تمام قوا باید در راه آن بکوشند سه چیز است که هر چه درباره شدت لزوم آن‌ها مبالغه شود، کمتر از حقیقت گفته شده: نخست قبول و ترویج تمدن اروپا بلاشرط و قید و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب، عادات، رسوم، ترتیب، علوم، صنایع، زندگی و کل اوضاع فرنگستان بدون هیچ استثنا (جز زبان) و کنار گذاشتن هر نوع خودپسندی و ایرادات بی‌معنی که از معنی غلط وطن‌پرستی ناشی می‌شود و آن را وطن‌پرستی کاذب توان خوانند. دوم اهتمام بلیغ در حفظ زبان، ادبیات فارسی، ترقی، توسعه و تعمیم آن، سوم نشر علوم فرنگ و اقبال عمومی به تأسیس مدارس... این است عقیده نگارنده این سطور در خط خدمت به ایران و همچنین برای آنان که به واسطه تجارت علمی و سیاسی زیاد با نویسندگان هم‌عقیده‌اند که ایران باید ظاهراً، باطناً، جسماً و روحاً فرنگی‌ماند شود و پس...» تقی‌زاده در پیری از این عقیده خود عقب‌نشست و اینگونه آن را تفسیر کرد: «البته ما می‌خواستیم فرنگی‌مآب بشویم ولی هیچ‌وقت نمی‌خواستیم فرنگی بشویم... و اگر چنان‌که اشاره فرمودید، من مردم را در بیست‌وهفت سال قبل به اخذ تمدن فرنگی از ظاهر و باطن و جسمانی و روحانی تشویق کرده‌ام، هیچ‌وقت قصد، این گونه تقلید مجنونانه و سفیهانه تجملی نبوده، بلکه قصد از تمدن ظاهری فرنگ، پاکیزگی لباس و مسکن و امور صحی و تمیزی و معیار و آب تنوی لوله و آداب پسندیده ظاهری و ترک فحش قبیح در معابر... تقلید به آمدن شر و وقت و اجتناب از پرخوری بی‌معنی و بی‌قیمتی وقت... بوده. و مراد از تمدن روحانی میل به علوم و مطالعه و بنای دارالعلوم‌ها و طبع کتاب و اصلاح حال زنان و احتراز از تعدد زوجات و طلاق بی‌جهت... و پاکیزگی زبان و قلم و احترام و درستکاری و دفع فساد و رشوه و مداخله و باز هزاران... امور معنوی و حقوقی و اخلاقی و آدابی دیگر بوده که تعداد آنها هم ده صفحه دیگر می‌شود. بدبختانه ما نه تمدن ظاهری فرنگستان را گرفتیم نه تمدن معنوی آن را. از تمدن ظاهری جز قمار و لباس میمون‌صفت و خودآرایی با وسایل وارد از خارجه، و از تمدن باطنی آنها نیز هیچ چیز نیاموختیم جز آنکه انکار ادیان را بدون ایمان به یک اصل و یک عقیده معنوی دیگر، فرنگی‌مآبان ما آموختند.»

عده‌ای از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی ایرانی مانند حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، اسماعیل امیر خیزی، محمدعلی جمال‌زاده، محمد قزوینی و ابراهیم پورداود با کمیته ملیون ایرانی و مجله کاوه همکاری می‌کردند. تقی‌زاده در این دوران با بسیاری از فعالان سوسیالیست و سوسیال‌دموکرات اروپا نیز ملاقات داشت، و در کنگره بین‌المللی سوسیالیست‌ها در سوئد در تابستان ۱۲۹۶ برابر با ۱۹۱۷ شرکت کرد و بیانیه‌ای با عنوان «دادخواهی ملت ایران» خطاب به اعضای کنگره منتشر کرد.

## ماموریت‌های دیپلماتیک تقی‌زاده

تقی‌زاده به واسطه حضور مؤثر در مجلس اول و دوم در میان رجال ایرانی به درایت و تأثیر سخن شناخته شده بود و حضور طولانی او در اروپا و آمریکا موجب شد تا دولت‌های پس از جنگ جهانی اول به استفاده از توان دیپلماتیک تقی‌زاده علاقه‌مند شوند. نخستین ماموریت دیپلماتیکی که به تقی‌زاده محول شد تلاش برای انعقاد معاهده تجاری ایران با شوروی بود. روسیه در قرن نوزدهم مهم‌ترین مقصد صادرات ایران بود و بخش عمده درآمد تجاری ایران از تجارت با روسیه بود؛ چای، برنج، میوه، خشکبار، ابریشم، قند، شکر، نفت سفید و منسوجات پنبه‌ای عمده صادرات ایران به روسیه را تشکیل می‌داد. با وقوع انقلاب بلشویکی تجارت با روسیه آسیب خورد، نامنی ناشی از حضور روس‌های سفید طرفدار روسیه تزاری در ماورای خزر بر این نامنی دامن زده بود. گفت‌وگو بر سر تنظیم روابط تجاری با شوروی نزدیک